

جلوه‌های بخشش در سیره سیدالشهدا علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی فتالی*

اشاره

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم السلام به پیروان خود می‌آموزند از نگاه محدود ظاهری به زندگی پرهیز کنند و با اندیشه و ژرف‌نگری، به حیات واقعی انسان بنگرند. از این رو، آخرین کتاب آسمانی با دقیق‌ترین تعبیرها انسان‌های زنده را به حیات دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چون خدا و پیامبرش شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید.»

نیل به زندگی معنوی و برخوردار از حیات طیب و در نتیجه، پیدایش حیاتی جدید، برتر و بالاتر از زندگی معمولی و ظاهری، در گرو تحقق شاخصه‌ها، مؤلفه‌ها و همچنین راهکارهایی است که در آیات و روایات بیان شده است. برای برخوردار از دستیابی به چنین آرمانی، باید آنها را شناخت و بدان‌ها عمل کرد تا زیبایی‌های زندگی بیشتر شده، سطح بالاتری از زیبایی و کمال حاصل شود.

* دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

یکی از بهترین راه‌ها برای دست یافتن به این هدف، بخشش است. در این نوشتار، می‌کوشیم با نگرش به سخنان و سیره حسین بن علی علیه السلام، به تبیین فضیلت «بخشش» پردازیم.

چیستی بخشش

بخشش، صفتی نفسانی است که در منابع دینی، کاربردهای مختلفی دارد.^۱ یکی از کاربردهای این واژه، عفو و بخشش است که در متون دینی با کلیدواژه‌هایی مانند «عفو» و «صفح» بیان شده است. پیشوایان دین درباره این ویژگی مهم اخلاقی، سفارش‌های فراوانی داشته‌اند. گذشت، برای فرد و جامعه و در تمام ابعاد مختلف آن، از جمله جنبه دنیوی و اخروی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، سفارش شده است. کاربرد دیگر این واژه، بخشش‌های مالی را شامل می‌شود. در آیات و روایات، واژگانی مانند: انفاق، جود، سخاوت و صدقه، بیانگر این نوع از بخشش است.^۲

جایگاه و اهمیت بخشش

زندگی در دنیا، دو بُعد دارد؛ مادی و معنوی. انسان با ایمان و عمل صالح می‌تواند همگام با برخورداری از زندگی مادی، به زندگی معنوی و به تعبیر قرآن، به «زندگی پاک»^۳ نیز دست یابد. مروری بر داستان‌های قرآنی که سراسر حکمت و رشد است، ما را به والایی بخشش و منزلت ویژه آن نزد پروردگار رهنمون می‌کند. پس از آنکه سامری با همکاری ابلیس گوساله‌ای ساخت و به

۱. محمدتقی فحالی، سفر با خورشید؛ زندگی به سبک امام رضا علیه السلام، ص ۷۵.

۲. همان، ص ۷۶؛ ر.ک: محمدتقی فحالی، سبک زندگی توحیدی و موفقیت الهی، ج ۳، ذیل بحث «بخشش».

۳. نحل، آیه ۹۷.

وسیله آن، هزاران نفر از آیین موسی علیه السلام را گمراه کرد و خود نیز مستحق کشتن شد، از سوی خداوند فرمانی شگفت به موسی علیه السلام وحی می‌شود: «أَنْ لَا تَقْتُلَ السَّامِرِيَّ فَإِنَّهُ سَخِيٌّ»^۱ سامری را نکش؛ زیرا او بخشنده است.»

با بخشش، تجربه‌ای دلپذیر و دل‌نشین خواهیم داشت و به این حقیقت والا دست می‌یابیم که اگر داوطلبانه و بی‌توقع به فکر دیگران باشیم و به آنان یاری برسانیم، به وجه بی‌کرانگی هستی متصل می‌شویم، زندگی را بیشتر به جریان می‌اندازیم، از دیگران شادتر بوده، راحت‌تر زندگی خواهیم کرد. به گیتی ز بخشش بود مرد به

تو گر گنج داری ببخش و مَنِه^۲

در بینش و نگرش دینی، بخشش، بهترین سپاس عملی در برابر قادر متعال،^۳ ادای حق برادران ایمانی،^۴ توانگری،^۵ بهترین دارایی و ثروت^۶ و مایه مهرورزی^۷ است. افرادی که همواره در پی آن‌اند تا گره‌ای از کار بسته خلق باز کنند و از جان

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۴۱؛ شیخ صدوق، الفقیه، ج ۲، ص ۶۱؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۸.

۲. فردوسی، دیوان اشعار.

۳. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۶۹.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۵. امام حسین علیه السلام فرمود: «السَّخَاءُ غِنَى؛ سخاوت، توانگری است.» (یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶)

۶. امام رضا علیه السلام فرمود: «خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرِهِ الصَّدَقَةُ؛ بهترین مال و ذخیره انسان، صدقه است.» (شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۱)

۷. امام حسین علیه السلام فرمود: «السَّخَاءُ مَحَبَّةٌ؛ سخاوت، مهرورزی است.» (خوارزمی، المناقب، ص ۱۸۵)

و مال خود در این مسیر می‌بخشند، مأمور ویژه الهی به شمار می‌آیند.

جلوه‌های بخشش

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیف شخصیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین فرمود: «وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَأَنَحَلُهُ الْجُودَ وَالرَّحْمَةَ»^۱ و به حسین، سخاوت و رحمت را می‌بخشم. «واقعیت آن است که جلوه‌های بخشش، فراوان است و طیف وسیعی را شامل می‌شود. این جلوه‌ها در کلام حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَام به صورتی گسترده آمده است؛ در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱. گذشت از خطای دیگران

گاهی بخشش و احسان، در قلب انسان تجلی می‌کند. یکی از مصادیق بخشش قلبی، عفو یا گذشت از خطای دیگران است. گذشت از درجات تقوا و زهد، نوعی رهایی و وارستگی است و گامی در جهت پیمودن راه حسین عَلَيْهِ السَّلَام و آشتی با خداوند می‌باشد. یکی از زیباترین بخشندگی‌ها، آن است که در هنگام قدرت انجام شود. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «إِنَّ أَعْقَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عِنْدَ قُدْرَتِهِ؛ باگذشت‌ترین مردم، کسی است که هنگام قدرت [از دیگران] درگذرد.»^۲

فرد بخشنده در مواجهه با خطاهای دیگران - البته با حفظ شرایط - نه تنها گذشت می‌کند و آنها را نمی‌بیند، بلکه خطاهای آنان را با نیکی به خطاکار جواب می‌دهد تا او را از خطایش دور کند و بیاموزد که در برابر اشتباهات دیگران احسان کند.

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۷۸.

۲. حلوانی، نزهة الناظر، ص ۸۱؛ شهید اول، الدرّة الباهرة، ص ۲۹؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۲؛ ابن صباغ، الفصول المهمّة، ص ۱۷۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱.

عصام بن مُصطَلَق می‌گوید وارد کوفه شدم و به مسجد رفتم. دیدم حسین علیه السلام در آنجا نشسته است. از شکل و شمایل او خوشم آمد. گفتم: تو پسر ابوطالبی؟ فرمود: آری. حسدی که در درون به او و پدرش داشتم، مرا برانگیخت و به او و پدرش به‌تندی ناسزا گفتم. مهربانانه نگاهی کرد و فرمود: تو اهل شامی؟ گفتم: آری. چون پیشمانی‌ام از این افراط‌کاری آشکار شد، به من فرمود: «امروز، سرزنشی بر شما نیست. خدا، شما را می‌آمرزد. برای برآوردن نیازهایت، نزد ما بیا؛ ما را آن‌گونه که دوست داری، خواهی یافت.» مدت‌زمانی نگذشت که کسی روی زمین، محبوب‌تر از او و پدرش نزد من نبود و گفتم: خدا، داناتر است که رسالتش را در کجا قرار دهد.^۱

۲. مدارا با مردم

احسان، این است که آدمی با هم‌نوعان مدارا کند و با آنان با رفق و ملایمت برخورد نماید. از بزرگ‌ترین نیکی‌ها، بردباری و حوصله و نرنجیدن از خطای دیگران است و اینکه در غصه‌هایشان شریک باشد و بکوشد با گذشت آنان را شادمان کند.

در ارتباط با دیگران بهتر است با آنها همدلی نماییم، سرد و کسل‌کننده برخورد نکنیم، خشونت را کنار گذاشته و تا می‌توانیم به آنها «نه» نگوئیم. نیازهایشان را بشناسیم، در زندگی آنها حضور مثبت داشته باشیم و در حل مشکلاتشان بکوشیم، به آنها ناامیدی منتقل نکنیم، قدری از وقت خویش را به دیگران اختصاص دهیم و در آنها حسّ امنیت و آرامش ایجاد نماییم.

۳. تأمین نیاز مستمندان

سخاوت، فقط این نیست که از اموال و دارایی‌های خویش به دیگران ببخشیم؛

۱. ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۴۳، ص ۲۲۴.

بلکه دوست داشتن مستمندان و نیازمندان، خود نوعی سخاوت است.^۱ فقیری کوجه‌های مدینه را پیمود و به در خانه حسین بن علی علیه السلام رسید. در را کوبید و با زبان شعر، نیاز خود و سخاوتمندی حسین علیه السلام را ابراز کرد. حضرت نمازش را کوتاه کرد و به سوی او آمد. با دیدن آثار گرفتاری و ناداری در چهره او، قنبر را صدا زد و از مانده خرجی زندگی از او پرسید. قنبر گفت: دوست درهم مانده که فرموده‌ای آن را میان خانواده‌ات تقسیم کنم. آن حضرت فرمود: همان را بیاور؛ کسی آمده که از خانواده بر آن سزاوارتر است. حسین علیه السلام آن را گرفت و در حال دادن آن به فقیر، بادیه‌نشین از او پوزش می‌طلبید. بادیه‌نشین آن را گرفت و در حالی که اشعاری در فضیلت آن حضرت می‌سرود، از در خانه حسین علیه السلام بازگشت.^۲

شعیب بن عبدالرحمن خزاعی می‌گوید: «وُجِدَ عَلِيٌّ ظَهَرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَوْمَ الطَّفِّ أُمَّرُ فَسَأَلُوا زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: مِمَّا كَانَ يَنْقُلُ الْجِرَابَ عَلَى ظَهْرِهِ إِلَى مَنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ؛ در روز واقعه عاشورا، اثر چیزی را بر دوش حسین بن علی علیه السلام یافتند و [علت] آن را از امام زین‌العابدین علیه السلام جویا شدند. فرمود: «این، اثر انبانی است که بر دوش خویش می‌کشید و برای بیوه‌زنان، یتیمان و بینوایان، [آذوقه] می‌برد.»^۳

۴. سفره‌داری

سفره‌گستری، یکی از ابعاد مهمّ بخشش است. اطعام عمومی، سفره انداختن در

۱. تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم، ص ۳۷۵. در روایات، با تعابیر مختلفی نظیر: «حَبِّ سَائِلٍ»، «حَبِّ فَقِيرٍ» و «حَبِّ مَسْكِينٍ»، از این ویژگی یاد شده است.
۲. ابن‌عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۱۸۵؛ ابن‌شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۶۵؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.
۳. ابن‌شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۶۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

ازدواج، اطعام اسیر و نوشاندن آب به دیگران، گونه‌های مختلف اطعام است؛ البته اطعام ایتم، مهم‌ترین نوع سفره‌گستری است.^۱ انسان بخشنده، از خوراندن به دیگران بیشتر لذت می‌برد تا خوردن. پشربن‌غالب می‌گوید: با حسین بن علی علیه السلام به سوی مدینه حرکت کردیم. با او گوسفندی بریان شده بود که اعضای آن را یکی یکی به افراد می‌داد.^۲

۵. شاد نمودن دل دیگران

انسان خوب همچنان‌که به لحاظ بیرونی رفتاری بخشنده با دیگران دارد و اهل وفای به عهد، راست‌گفتاری، صله رحم، اطعام و سودرسانی به دیگران است، به لحاظ درونی نیز باید با خیرخواهی برای دیگران، اهل بخشش درونی باشد و حتی به لحاظ اندیشه و درون، برای هیچ‌کس بد نخواهد؛ هرچند آن شخص دشمن باشد. یکی از ویژگی‌های افراد خیرخواه، این است که همیشه درصدد شاد کردن دیگران برمی‌آیند.

انس نقل می‌کند: نزد امام حسین علیه السلام بودم که کنیزی با دسته‌گلی در دست، وارد شد و امام را با آن، تحیت (سلام و درود) گفت. امام هم فرمود: برای خدای متعال، آزادی. من گفتم: با یک دسته گل تحیت دادن، این قدر نمی‌ارزد که بدان، آزادش کنی! حضرت فرمود: خدای بزرگ باشکوه، ما [خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله] را چنین پرورده است؛ [چنان‌که] فرموده است: «و چون به شما تحیت گفته شد، به بهتر از آن یا به مانند آن، پاسخ دهید»^۳ و بهتر از آن [تحیت او]، آزاد کردنش

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ما مِنْ مَائِدَةٍ أَكْبَرُ مِنْ مَائِدَةٍ جَلَسَ عَلَيْهَا يَتِيمٌ؛ هیچ سفره‌ای با برکت‌تر از سفره‌ای نیست که یتیم بر سر آن بنشیند.» (متقی هندی، کنز العمال، ج ۶۰۴۰)

۲. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳. نساء، آیه ۸۶: «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها.»

بود.^۱

امام حسین علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هرگاه یکی از یارانش را اندوهگین می دید، با شوخی شادش می کرد و می فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْمُعْبَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ؛ خداوند، از کسی که با برادرانش تَرش رو باشد، نفرت دارد.»^۲

۶. انفاق مالی

یکی از جلوه‌های بخشش، انفاق مالی و سعی در برآوردن حاجت مردم است. امام حسین علیه السلام فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَيْ غَيْرِكُمْ؛ نیازهای مردم، از نعمت‌های خداوند بر شماست. بنابراین، از آنها خسته نشوید که خداوند آن را از شما سلب نموده، به دیگران بر می گرداند.»^۳

ابن مهران می گوید: نزد مولا علیه السلام نشسته بودم که مردی پیش ایشان آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا! فلانی از من بستانکار است و می خواهد مرا به زندان بیندازد. فرمود: به خدا سوگند! مالی که با آن بدهی تو را پردازم، ندارم. مرد گفت: پس با بستانکار من، گفت و گو کن. فرمود: من با او آشنا نیستم؛ اما از پدرم امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس در پی حاجت برادر مؤمنش بکوشد، مانند آن است که خدا را نه هزار سال عبادت کرده است که

۱. حلوانی، نزهة الناظر، ص ۸۳؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۳؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۱۷۵؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۹۵.

۲. ابن زهره، الأربعون حديثاً في حقوق الإخوان، ص ۸۲؛ شهيد ثانی، كشف الرّيبة، ص ۸۳.

۳. ابوسعید وزیر، نثر الدرّ، ج ۱، ص ۳۳۴؛ شهيد اول، الدرّة الباهرة، ص ۲۴؛ دیلمی، أعلام الدين، ص ۲۹۸؛ اربلی، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۴۱؛ ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۱۷۶؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱.

روزهایش را روزه گرفته و شب‌هایش را زنده داشته باشد.»^۱

روزی سیدالشهدا علیه السلام برای عیادت اسامه بن زید که سخت بیمار بود، به خانه او رفت. وقتی نگاه او به امام افتاد، آهی کشید و از اندوه خود یاد کرد. حضرت از دلیل اندوهش پرسید؛ عرض کرد: اندوه من، قرض فراوان است؛ شصت هزار درهم بدهکارم. حضرت فرمود: «ادای دین تو، بر عهده من است.» اسامه گفت: می‌ترسم از دنیا بروم و قرض من پرداخت نگردد. امام در پاسخ به او فرمود: «لَنْ تَمُوتَ حَتَّى أَقْضِيَهَا عَنْكَ؛ پیش از فرا رسیدن مرگت، قرضت را می‌پردازم.»^۲

رعایت شرایط بخشش

هرگونه بخشیدنی، مطلوب نیست، بلکه بخشش، دارای شرایطی است، یعنی کسی که به دنبال احسان و انفاق است، باید ویژگی‌ها و شرایطی را رعایت کند تا عملش مورد پسند خداوند قرار گیرد. بدون آزار و منت، در خفا و شبانه، با احترام و فروتنی، بدون ریا، از بهترین‌ها، با اشتیاق، بدون تعلل و مسامحه و نیز به دور از ایجاد حسّ خواری در شخص نیازمند، همگی از شرایط بخشش به شمار می‌آیند.

مردی انصاری نزد امام حسین علیه السلام آمد و خواست تا حاجت خود را مطرح کند. امام فرمود: «يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَدَلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَارْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُفْعَةِ قَائِي آتِ فِيهَا مَسَاؤَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ ای برادر انصاری! آبروی خود را از خواری درخواست کردن، نگاه دار و حاجتت را در برگه‌ای بنویس. من در این باره کاری می‌کنم که اگر خدا بخواهد، شادمانت کند.» آن مرد نوشت: ای ابا عبد الله!

۱. صوری، قضاء حقوق المؤمنین، ص ۲۸؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۳۱۵.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۸۹.

فلان کس، پانصد دینار از من بستانکار است و به من فشار می‌آورد. پس، با او گفت و گو کن که تا زمان توانایی‌ام بر پرداخت، به من مهلت دهد. چون امام حسین علیه السلام برگه را خواند، وارد خانه‌اش شد و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به او فرمود: با پانصد دینارش، بدهی خود را پرداز و از پانصد دینار دیگر، در رویارویی با روزگار، کمک بگیر. آن حضرت در ادامه چنین توصیه فرمود: «لَا تَرْفَعِ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَىٰ أَحَدٍ ثَلَاثَةٍ: إِلَىٰ ذِي دِينَ، أَوْ مَرْوَةَ أَوْ حَسَبٍ فَأَمَّا ذُو الدِّينِ فَيَصُونُ دِينَهُ وَ أَمَّا ذُو المَرْوَةِ فَإِنَّهُ يَسْتَحْيِي لِمَرْوَتِهِ وَ أَمَّا ذُو الحَسَبِ فَيَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُكْرِمْ وَ جَهَكَ أَنْ تَبْذُلَهُ لَهُ فِي حَاجَتِكَ فَهُوَ يَصُونُ وَ جَهَكَ أَنْ يَرُدَّكَ بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِكَ؛ حاجت خود را جز نزد سه کس مبر: نزد دین‌دار یا جوانمرد یا بزرگ‌زاده؛ زیرا دین‌دار، برای حفظ دین خود نیازت را برآورد و جوانمرد، از مردانگی خود شرم می‌کند و بزرگ‌زاده می‌داند که تو با رو انداختن به او، آبرویت را فروختی و او با برآوردن نیازت، آبروی تو را حفظ می‌کند.»^۱

مواع بخشش

بخشش، شهر زیبایی است که حصارهایی آن را احاطه کرده است. اموری انسان را از صفت بخشندگی دور می‌سازند و میان او و خوشبختی فاصله ایجاد می‌کنند. این امور، ظهور نعمت‌های الهی را کاهش می‌دهند و مسیر افزایش نعمت را مسدود می‌کنند. برخی از این مواع، عبارت‌اند از:

۱. خست و مشقت درونی

خست و مشقت درونی که از آن به «حرص» تعبیر می‌شود، دارای درجات متفاوتی است که بالاترین درجه آن را «شَحَّ»^۲ و کمتر از آن را «بخل» می‌گویند.

۱. ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۷.

۲. حشر، آیه ۹؛ تغابن، آیه ۱۶: «وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگارانند.»

گاهی انسان به مال خویش مشغول است و به آن بخل می‌ورزد؛ اما گاهی آدمی به داشته‌های دیگران هم چشم می‌دوزد، برای آنها نقشه می‌کشد و برای مردم بدخواهی می‌کند. براین اساس، حالت بخل یا شُحّ، از موانع مهمّ بخشش به حساب می‌آید. امام حسین علیه السلام به نقل از جدّ بزرگوار خود فرمود: «سامان یافتن نخستین نسل این اّمّت، با زهد و یقین است و هلاکت آخر آن، با بخل و آرزو.»^۱

۲. احساس مالکیت

تنها، خداوند خالق است: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ؛ خدا، آفریدگار هر چیزی است.»^۲ این سخن، بدین معناست که فقط او مالک است و غیر از او کسی توان مالکیت ندارد؛ مگر به اذن او. براین اساس، ما مالک هیچ چیز نیستیم و بهره ما در این عالم، فقط سعی و تلاش است که البته نتیجه بخش آن کوشش هم فقط خداست؛ یعنی اوست که به دنبال فعل ما، نتایجی پدید می‌آورد.

با توجه به این نکته، آنچه بر اساس تلاش و فعالیت ما به دست می‌آید، مملوک و داشته ما نیست؛ بلکه داده خداست. تمام داشته‌های ما، داده‌های خدا و ملک اوست؛ نه مملوک ما. بهترین نمونه برای کاهش احساس تملک‌گرایی، توجه به هم‌نوعان، خدمت به آنان و بخشش به دیگران است. حسین بن علی علیه السلام در مناجات با پروردگار خویش عرض می‌کند: «أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَأَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي؛^۳ من در بی‌نیازی، نیازمندم؛ پس چگونه در فقرم نیازمند [تو]

۱. شیخ صدوق، الخصال، ص ۷۹؛ علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۷۳؛ فتال

نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۴۷۴.

۲. زمر، آیه ۶۲.

۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای عرفه.

نباشم؟» و یا در فرازی دیگر از دعای عرفه آمده است: «إِلَهِي كَيْفَ لَا أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُ وَ أَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي؛^۱ خدایا! چگونه احساس فقر نداشته باشم، درحالی که مرا در عالم امکان، در میان فقرا جای دادی و چگونه فقیر و نیازمند باشم، درحالی که تو آنی که به بخشش خودت بی نیازم کردی.»

۳. مال پرستی و زیاده خواهی

فزون طلبی، قانون خلقت نیست و هرکس رفتاری حریصانه داشته باشد، گام در کوچه بن بست هستی گذارده است. مسیر باز در کائنات، این است که اگر نعمتی دیدی، دیگران بر تو مقدم اند. آن که در صف تقسیم غنایم می ایستند، باید انتهای صف باشد و نیز اگر جایی بلا یا اندوه دید، اولین کسی باشد که تلاش می کند عاقلانه رفتار کند.

۴. خودخواهی

مؤمن، از خودبینی و نفسانیت رهیده است و هرگز خودشیفته نیست. از این رو، مشتاق بخشش است و حداقل، بخشی از تلاش خود را برای بخشش و گذشت هدیه می کند و نه تنها منافع خود را برجسته نمی کند؛ بلکه از منافعش می گذرد. براین اساس، همت او، مال اندوزی نیست و ثروت را برای اعطا به دیگران می خواهد؛ نه نگاه داشتن. اساساً فرد بخشنده، در بهره مندی از مواهب، نعمت ها و زیبایی های زندگی، دیگران را بر خود مقدم می دارد.

جمع بندی

گزارش های متعددی رسیده که امام حسین علیه السلام مهمان را اکرام می کرد و به

خواهان می‌بخشید و با خویشاوند می‌پیوست و به فقیر می‌رساند و به نیازخواه، کمک می‌کرد و برهنه را می‌پوشاند و گرسنه را سیر می‌کرد و به بدهکار، عطا می‌نمود و ناتوان را دستگیری می‌کرد و بر یتیم، دلسوزی می‌نمود و به نیازمند، یاری می‌رساند و کمتر می‌شد که مالی به او برسد و آن را تقسیم نکند.^۱

سیره و سخن سیدالشهدا علیه السلام آکنده از توصیه‌ها و نمونه‌های بخشش رفتاری، انفاق قلبی، انفاق مالی و بخشش زبانی است و می‌طلبد که مدعیان عشق حسین علیه السلام، خود را به این فضیلت گران‌مایه انسانی آراسته کنند و بخشش و گذشت را که نمایانگر بخشی از حقیقت عشق و معرفت به آن امام همام است، در ابعاد مختلف زندگی خویش آشکار کنند. عاشق حسین علیه السلام، عاشق گذشت و بخشندگی است؛ زیرا مولایش نیز این گونه بود و از همه چیزش گذشت.

۱. محمدبن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۷۳؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۳۴.